

تأثیر اندازه دولت بر جهانی شدن اقتصاد در کشورهای منتخب

جعفر یحیوی دیزج*، یوسف محمدزاده**

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۳

چکیده

حضور گسترده دولت در بازارهای ملی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که مواجهه محیط داخلی علی‌الخصوص اقتصاد ملی را با رقابت‌های جهانی تضعیف می‌کند. مطالعه حاضر، باهدف بررسی تأثیر اندازه دولت بر شاخص جهانی شدن با تمرکز بر جهانی شدن اقتصاد در ۹۵ کشور منتخب جهان بین سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۸۵ با استفاده از الگوی داده‌های پانل با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) انجام گرفته است. در این مقاله، شاخص‌های متعددی مانند شاخص جهانی شدن KOF، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سهم صادرات کشورها از تولید داخلی، بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد، افزایش حجم دولت در اقتصاد، تأثیر منفی و معنی‌دار بر روی شاخص جهانی شدن، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات دارد. لذا می‌توان گفت حضور گسترده دولت، می‌تواند موفقیت یک جامعه در تعاملات جهانی و بازارهای بین‌المللی اقتصاد را تضعیف نماید. همچنین اثرات سایر متغیرهای موجود در مدل، حاکی از آن است که توسعه انسانی، کنترل فساد، هزینه‌های تحقیق و توسعه و افزایش تولید داخلی، تأثیر مثبت، ولی تورم و نرخ بالای تعرفه‌ها، تأثیر منفی بر موفقیت اقتصاد در جذب سرمایه‌های بین‌المللی و صادرات دارد.

کلید واژه: اندازه دولت، جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد، توسعه صادرات، رشد اقتصادی

طبقه‌بندی JEL: F12, G38, F60

* کارشناس ارشد اقتصاد سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران (نویسنده مسئول)

jyahyavi@razi-tums.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه

yo.mohammadzadeh@urmia.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از پدیده‌های بسیار قابل‌توجه دهه اخیر در اقتصاد جهانی، افزایش درهم‌آمیختگی اقتصادها در سطح جهان بوده، و اقتصاد جهان، شاهد بین‌المللی شدن روزافزون است که آثار آن را می‌توان در افزایش بازرگانی بین‌المللی، جهانی شدن تولید و جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ (FDI) ملاحظه کرد (کومار^۲، ۱۹۹۸).

جهانی شدن، یک پدیده چندبعدی و چالش‌برانگیز است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است (پراتون^۳، ۱۹۹۷). جهانی شدن در عین حال می‌تواند به‌عنوان یک پدیده تأثیرگذار و تأثیرپذیر مطرح شود و در یک فرایند اجتماعی، دارای آثار و تبعات گوناگون باشد (حمیدی و سرافرازی، ۱۳۸۹). البته جهانی شدن را از ابعاد گوناگون می‌توان مورد بررسی قرار داد که در این مقاله، سعی خواهیم کرد از جنبه اقتصادی، موضوع را بررسی کنیم.

جهانی شدن اقتصاد، شرایطی را به وجود می‌آورد که در آن، حدود مرزهای جغرافیایی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، تولید و نقل و انتقالات مالی، کمترین نقش را داشته‌اند و طی آن، نقل و انتقالات جریان کالا و خدمات، اطلاعات سرمایه‌گذاری و عوامل تولید در سطح بین‌المللی افزایش می‌یابد که به یکپارچگی اقتصادی در جهان منجر می‌شود.

صندوق بین‌المللی پول^۴ (IMF)، جهانی شدن را «ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر» تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، جهانی شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر فناوری می‌داند (صندوق بین‌المللی پول، ۱۹۹۷).

-
1. Foreign direct investment
 2. Kumar
 3. Perraton
 4. International Monetary Fund

در یک سیستم جهانی‌شده اقتصاد، می‌توان شاهد تبعیت قوانین بانکی از قوانین بین‌المللی بود که به نوبه خود، بسیاری از سیاست‌های ملی مانند سیاست‌های پولی را می‌تواند کمرنگ کند (لی و بولدلر^۱، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، ریسک‌های اقتصادی ممکن است بین کشورها به اشتراک گذاشته شود و لذا میزان کنترل بر ثبات ملی از تغییرات جهانی تبعیت کند (بالی و همکاران^۲، ۲۰۱۸). حتی ممکن است پول ملی کمتر مورد استفاده قرار گیرد و یک پول جهانی، به تدریج جای آن را بگیرد (آجیده و همکاران^۳، ۲۰۱۹).

بنابراین جهانی‌شدن را می‌توان فرآیندی در نظر گرفت که در آن، مرزهای اقتصادی میان کشورها هرروز کمرنگ‌تر می‌شود و تحرک روزافزون منابع، فناوری، کالا، خدمات و سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماورای مرزها آسان‌تر صورت می‌گیرد. در واقع، جهانی‌شدن موجب کاهش نقش دولت‌ها در طراحی قوانین جهانی، لغو محدودیت‌های بازرگانی از طریق عضویت در سازمان جهانی تجارت و همچنین ایجاد بازار مشترک می‌شود.

وضعیت دولت در عصر جهانی‌شدن اقتصاد، سؤالات فراوانی را ایجاد کرده است، سؤالاتی از قبیل ویژگی‌های دولت در عصر جدید، اندازه دولت و اینکه آیا جهانی‌شدن تجارت و بازارهای مالی با تغییر در اندازه دولت ارتباط دارد یا نه؟

امروز اعتقاد به مفید بودن دولت و برنامه‌ریزی دولتی افول کرده و مبانی نظری دولت‌های بزرگ و با برنامه‌ریزی متمرکز موردحمله قرار می‌گیرد (فلاحتی و سپهبان، ۱۳۸۸ و بارانکی^۴، ۲۰۰۷). از آثار کاهش اندازه دولت، حاکم کردن مکانیزم بازار بر تصمیم‌های اقتصادی می‌باشد که نتیجه آن، ایجاد فضای رقابتی برای بنگاه‌های خصوصی بوده است و از این طریق، کارآیی بنگاه‌ها نسبت به بخش دولتی افزایش

-
1. Lee & Bowdler
 2. Balli *et al.*
 3. Ajide *et al.*
 4. Barankay

می‌یابد. باید توجه داشت که بخش خصوصی از آن جهت بر بخش‌های دولتی ارجحیت دارد که با ایجاد فضای رقابتی، می‌توان بخش خصوصی را تحت فشار قرار داد. بخش خصوصی برای استمرار بقای فعالیت خود مجبور به ارتقای سطح و کیفیت فعالیت و کاهش هزینه‌ها است. بنابراین، حضور پررونق بخش خصوصی به نفع اقتصاد ملی است (بهکیش، ۱۳۸۹: ۱۱۰ و گاپتا^۱، ۲۰۰۱).

از جنبه نظری، اگر بخش دولتی، کارآمدی کمتری نسبت به بخش خصوصی داشته باشد، اندازه بزرگ‌تر دولت باعث کند شدن رشد اقتصادی خواهد شد، اما اگر بخش دولتی، کالاهای اساسی عمومی را که تولیدکنندگان خصوصی قادر به تهیه آن نیستند، تولید کند، در این حالت، اندازه بزرگ‌تر دولت می‌تواند به رشد سریع‌تر اقتصادی منجر شود (IMF، ۲۰۰۸).

مطالعات زیادی به بررسی کارایی و اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتیجه برخی مطالعات نشان می‌دهد اندازه دولت بر رشد اقتصادی، تأثیر منفی دارد (رزکارنز^۲، ۲۰۰۴؛ روی^۳، ۲۰۰۹؛ لاندو^۴، ۱۹۸۳ و بارو^۵، ۱۹۹۰).

برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به میزان تعامل اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی بستگی داشته و متأثر از پدیده جهانی شدن اقتصاد است. در جهان امروز، با وجود وابستگی‌های متقابل، رشد و توسعه اقتصادی در سطح ملی، بدون تعامل فعال با اقتصاد جهانی، دچار چالش جدی است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰).

بر اساس مطالعات بانک جهانی، رابطه بین جهانی شدن و توسعه لزوماً رابطه‌ای مستقیم نیست، بلکه بخش بزرگی از کشورهای در حال توسعه، از درهم‌آمیختگی با اقتصاد جهان و جهانی شدن سود نبرند (بانک جهانی^۶، ۱۹۹۶: ۳۰) از طرفی دستیابی

-
1. Gupta
 2. Rvzkrans
 3. Roy
 4. Landau
 5. Barro
 6. World Bank

به منافع بالقوه جهانی‌شدن، نیازمند مدیریت اقتصادی و سیاست‌گذاری کارآمد از طرف سیاست‌گذاران اقتصادی بوده، و طبیعی است اگر ساختارهای اداری، نهادی و سازمانی یک کشور رقابتی نباشد، این نظام توانایی مدیریت فرآیند جهانی‌شدن را نخواهد داشت؛ بنابراین هرچند که جهانی‌شدن فرصت‌هایی را برای دستیابی به منافع بالاتر برای کشورهای درحال توسعه ایجاد می‌کند، اما توانایی کشورها برای کسب این منافع بسیار متفاوت است و درنهایت، برخی برنده و برخی بازنده خواهند بود (بهکیش، ۱۳۸۹: ۴۴).

در مطالعات اثر جهانی‌شدن بر اندازه دولت، تضاد آرا و دو نوع دیدگاه وجود دارد. برخی از جمله پروتی^۱ (۱۹۹۷) و رام^۲ (۲۰۰۸)، به بررسی اثر جهانی‌شدن بر اندازه دولت پرداخته‌اند و جهانی‌شدن را یکی از عوامل کاهش اندازه دولت می‌دانند؛ ولی اندریس^۳ (۲۰۱۳)، سامتی و همکاران (۱۳۹۰) و جانسیا و اپیفانی^۴ (۲۰۰۷)، در مطالعات خود نشان دادند که جهانی‌شدن، حجم دولت را افزایش می‌دهد و ارتباط مستقیمی بین این دو متغیر وجود دارد. گذشته از تأثیر مثبت یا منفی جهانی‌شدن بر روی اندازه دولت، مطالعه حاضر مسیر کاملاً متفاوتی را طی می‌کند.

تصور می‌شود ریشه حجم دولت، نه به ساختار روابط بین‌الملل بلکه به ساختار اجتماعی یک کشور مربوط می‌شود. لذا به نظر می‌رسد اندازه دولت، تعیین‌کننده میزان جهانی‌شدن اقتصاد یک جامعه خواهد بود. لذا رویکرد مطالعه پیش‌رو متفاوت بوده و جهت تأثیرگذاری را از طرف اندازه دولت به سوی جهانی‌شدن در نظر می‌گیرد؛ چراکه دخالت‌های دولت و حضور گسترده آن در اقتصاد، موجب دور شدن تعاملات اقتصادی ملی با شرایط موجود در بازارهای بین‌المللی می‌شود و لذا ممکن است حضور شرکت‌های داخلی در صحنه جهانی و سهم‌بری از تقاضای فرامرزی را با مانع جدی روبرو سازد.

-
1. Perotti
 2. Ram
 3. Andreas
 4. Gancia and Epifani

۲. ادبیات پژوهش

جهانی‌شدن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم سیاست‌های داخلی، اقتصادی و خارجی تقریباً تمامی کشورها را شکل می‌دهد (فریدمن^۱، ۲۰۰۱). از نگاه دورکیم^۲، با افزایش و گسترش فرآیند جهانی‌شدن، تعهدات جمعی و عناصر هویت‌بخش خاص و محدودی مانند ملیت و قومیت، جایگاه و اهمیت خود را از دست می‌دهند و مرزهای فرهنگی، سیاسی به نحو فزاینده‌ای تضعیف می‌شوند (گل‌محمدی، ۱۳۸۶). از نظر آلبرو^۳، جهانی‌شدن، دسته‌ای از روندهای پیچیده اما متمایز در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اندیشه است که همه‌چیز را متحول می‌کند. جهانی‌شدن دارای یک نظام جهانی است، نظامی که زمینه‌های مختلفی همچون سرمایه، بازرگانی، مبادلات، ارتباطات، سیاست، اندیشه و ایدئولوژی را شامل می‌شود (سعیدی و اصغر کیا، ۱۳۸۵: ۱۴).

جهانی‌شدن را می‌توان از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و جمعیتی بررسی کرد (توکلی، ۱۳۸۴). با توجه به رویکرد مطالعه حاضر، در اینجا جهانی‌شدن اقتصاد مدنظر است.

در خصوص جهانی‌شدن، به‌طور کلی سه دیدگاه وجود دارد:

۱- دیدگاه بازار باز: این دسته از اقتصاددانان، بر این باورند که تمایل کشورها به جهانی‌شدن اقتصاد، نیروهای خفته و سرکوب‌شده اقتصادی آنان را بیدار کرده و به آنها امکان استفاده از منابع کمیاب جهان را می‌دهد و انسان‌ها را به لحاظ رفاه و آسایش اقتصادی منتفع می‌سازد. برخی دیگر به دنبال پیوستن کشورها به فرآیند جهانی‌شدن، از رشد اقتصادی خبر می‌دهند و می‌گویند که به‌موازات برقراری روابط آزاد تجاری بین کشورها، فناوری و سرمایه از کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی به سمت کشورهای کمتر

1. Friedman
2. Durkheim
3. Albero

توسعه یافته سرازیر می شود و باعث برخورداری این کشورها از برابری و مساوات در توزیع ثروت و فناوری خواهد شد (گلپین^۱، ۲۰۰۰).

۲- دیدگاه ملی گرایان: افرادی که در این مکتب فکری قرار دارند، جهانی شدن را به دلیل بسیاری از ناملازمات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که جامعه آمریکا و سایر جوامع صنعتی را فراگرفته، رد می کنند. از آن جمله می توان به نابرابری اقتصادی افراد، رشد بیکاری، کاهش برنامه های اجتماعی، کاهش رفاه عمومی، مهاجرت غیرقانونی و رشد جرائم اشاره کرد. در آمریکا، رأس پروت^۲ و پاتریک بوکانان^۳ به این دسته تعلق دارند. این منتقدین بر تشکیل بلوک های اقتصادی در هر منطقه از جهان تأکید دارند و خواستار ایجاد محدودیت بر سر راه فعالیت بنگاه های چندملیتی و حفاظت از اقتصاد ملی کشورها هستند

۳- دیدگاه تشکل گرایان: اعضای این گروه، جهانی شدن را به این علت که مترادف با توسعه افکار استکباری و نابودی محیط زیست است، رد می کنند. آن ها بیم این دارند که مبدا بنگاه های چندملیتی برای رسیدن به منافع خود و رشد اقتصادی بخواهند هر مانعی را از پیش روی بردارند. آن ها چنین استنباط می کنند که دولت ها در کشورهای توسعه یافته و صنعتی به بهانه ایجاد رقابت بین المللی، برنامه های رفاه اجتماعی شهروندان را حذف کرده و مردم این قبیل کشورها را به افرادی مصرف گرا تبدیل کرده اند.

۲-۱. جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن اقتصاد، شرایطی را به وجود می آورد که در آن، حدود مرزهای جغرافیایی در فعالیت های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه گذاری، تولید و نقل و انتقالات مالی،

1. Friedman
2. Ross Perot
3. Patrick Buchanan

کمترین نقش را داشته‌اند و طی آن، نقل و انتقالات جریان کالا و خدمات، اطلاعات سرمایه‌گذاری و عوامل تولید در سطح بین‌المللی افزایش می‌یابد که به یکپارچگی اقتصادی در جهان منجر می‌شود (فلاحتی و سپهبان قره بابا، ۱۳۸۸).

سیموز^۱ تعریف جامع‌تری را از جهانی‌شدن اقتصادی ارائه می‌دهد. او خصلت‌های جهانی‌شدن را در موارد زیر می‌داند (سیف، ۱۳۷۸):

- مرزهای ملی برای جداسازی بازارها، اهمیت خود را از دست می‌دهند؛
- فعالیت‌های تولیدی فرامرزی تخصصی می‌شوند و بنابراین، سبب شکل‌گیری شبکه‌های تولیدی چندملیتی می‌گردند؛
- قدرت‌های چندپایه فناورانه شکل می‌گیرند که درنهایت، به همکاری‌های بیشتر بین بنگاه‌های بین‌المللی منتهی می‌شود؛
- شبکه‌های اطلاعاتی جهانی، همه جهان را به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌کند؛
- همبستگی بالاتری در مراکز مالی دنیا به وجود می‌آید.

جهانی‌شدن بازارهای مالی، لغو محدودیت‌های بازرگانی از طریق عضویت در سازمان جهانی تجارت و ایجاد بازار مشترک، از ویژگی‌های جهانی‌شدن اقتصاد است. جهانی‌شدن اقتصاد، قدرت کنترل دولت‌ها بر نقل و انتقالات مالی و فناوری را کاهش می‌دهد (بهکیش، ۱۳۸۹). جهانی‌شدن اقتصاد، الزامات فراوانی از جمله تأکید بسیار بر رقابت و بازار دارد و دولت‌ها برای پاسخگویی به این الزامات، احتمالاً مجبورند وظایف جدیدی را به عهده بگیرند و تغییراتی در سیاست‌ها و عملکرد خود داشته باشند (کراکر^۲، ۲۰۰۴). فرآیند جهانی‌شدن خواستار اصلاح، کاهش و حذف حمایت‌های دولتی از طریق مقررات زدایی و کاهش مالیات‌ها است. این حمایت‌های دولتی و قانونی اگرچه ظاهراً از نیروی کار و حداقل دستمزدها پشتیبانی می‌کند، اما می‌تواند هزینه‌های اضافی برای تولیدکنندگان

1. Simos
2. Crocker

و دولت به همراه داشته باشد، آن‌چنان‌که بعضاً این حمایت‌ها منشأ درصدی از بیکاری‌ها نیز شده است (تانزی^۱، ۲۰۰۴).

نقش و اهمیت اقتصادی دولت، مورد پذیرش همه مکاتب و دیدگاه‌های اقتصادی است، به طوری که هیچ جامعه‌ای بدون وجود دولت، نمی‌تواند به سطح بالایی از اقتصاد دست یابد، ولی آنچه در زمینه دولت و اثرگذاری آن بر اقتصاد حائز اهمیت است، سهم دولت در اقتصاد و نحوه اندازه‌گیری اثرات اجزاء آن بر تولید و رفاه جامعه است (شیرین بخش و همکاران، ۱۳۹۱). مداخله بیش‌ازحد دولت در اقتصاد برای رسیدن به افزایش رشد اقتصادی و دستیابی به توسعه مطلوب و پایدار در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، به افزایش مخارج و بزرگ‌تر شدن دولت منجر شده و مشکلاتی مثل تورم مزمن و عدم کارآیی برخی سازمان‌های دولتی را باعث می‌شود (لکزیان و غفرانی، ۱۳۹۲).

از نگاه برخی از صاحب‌نظرانی چون رزکارنز (۲۰۰۴) و کارت و میتچل (۲۰۰۱) و واکزیرگ و آلسینا (۱۹۹۷) در عصر جهانی‌شدن اقتصاد، نقش دولت‌ها در فعالیتهای اقتصادی و حتی دخالت در آن، کاهش می‌یابد. به‌عنوان نمونه، می‌تواند به دولت الکترونیکی^۲ که وظایف جدیدی را پیش روی دولت گشوده است، اشاره کرد. دولت در این حوزه، وظایف نوینی را بر عهده می‌گیرد و انتظار می‌رود از وظایف سنتی و بوروکراسی اداری دولت کاسته شود. در پدیده جهانی‌شدن، فرض غالب، محدودسازی و کوچک‌شدن دولت‌ها خواهد بود؛ زیرا در فرایند همگرایی با اقتصاد جهانی، دولت‌ها مجبور هستند از طریق فراهم کردن زمینه‌های رشد بخش خصوصی، آزادسازی تجاری، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اولویت رویکردهای اقتصادی در سیاست خارجی، کارکردهای جدیدی داشته باشند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰).

1. Tanzi

2. E-Government

ادغام بازارها، یکی از وجوه اصلی تجارت با اقتصاد جهانی است و باعث کاهش اثربخشی سیاست‌های دولت در داخل می‌شود و به‌نوعی، از کاهش یافتن نقش دولت حکایت دارد (دنیس^۱، ۲۰۰۷).

در این مطالعه، از شاخص جدید جهانی شدن، که به‌وسیله مؤسسه اقتصادی (kof) ارائه می‌شود، استفاده می‌کنیم. شاخص جهانی شدن (kof) نیز سالانه از سوی این مؤسسه منتشر می‌شود و همراه با آن، زیرشاخص‌های جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن اجتماعی و جهانی شدن سیاسی نیز ارائه می‌شود. این مؤسسه، جنبه اقتصادی از جهانی شدن را بررسی می‌کند و جهانی شدن اقتصادی، به دو زیر بخش اصلی تقسیم‌بندی می‌شود: الف) جریان‌های واقعی اقتصاد، که معمولاً برای اندازه‌گیری جهانی شدن اقتصادی به کار برده می‌شود. گروه اصلی جریان‌های واقعی اقتصاد، شامل اجزای تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری پرتفوی^۲ است. ب) محدودیت‌ها بر سر تجارت و سرمایه: این گزینه به موانع بر سر تجارت و سرمایه و متوسط نرخ‌های تعرفه و مالیات بر تجارت بین‌الملل به‌علاوه یک شاخص از کنترل‌گرهای سرمایه اشاره دارد. با توجه به سطح معینی از تجارت، یک کشور با درآمدهای بالاتر به‌دست‌آمده از جانب تعرفه‌ها، کمتر جهانی شده است. این شاخص، یک عدد در بازه ۱ تا ۱۰۰ است. عدد ۱۰۰ بالاترین ارزش و عدد ۱ کمترین ارزش است.

۲-۲. اندازه دولت و جهانی شدن اقتصاد

اندازه دولت به میزان دخالت آن در جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط می‌شود. اندازه دولت، به حجم عملیاتی اشاره دارد که توسط سازمان‌ها و ارگان‌ها و سازمان‌های وابسته به آن‌ها اعم از سازمان‌های منطقه‌ای، ایالتی، شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی صورت می‌پذیرد. به‌عبارت‌دیگر، اندازه دولت در واقع، نشان‌دهنده درجه مداخله

1. Denise

2. Portfolio Investment

دولت در اقتصاد است. به نظر اقتصاددانان کینزی، برخی اوقات در شرایط رکود اقتصادی، حضور فعال تر دولت‌ها، لازم و برخی اوقات وجود آنان مزاحمت‌هایی را برای رشد اقتصادی به وجود می‌آورد (سوری و کیهانی، ۱۳۸۳). دولت‌ها را از نظر مداخله اقتصادی، می‌توان در طیف گسترده‌ای دانست که از دولت کلاسیک آغاز و به دولت برنامه‌ریزی متمرکز ختم می‌شود.

در میان این دو، می‌توان به دولت قانون‌گذار، دولت رفاه، دولت سیاست‌گذار و دولت برنامه‌ریز بخشی اشاره کرد (بجورن اسکو و همکاران^۱، ۲۰۰۵ و تانزی، ۱۹۹۷). در مورد اندازه مطلوب دولت، بین مکاتب و دیدگاه‌های مختلف اقتصادی اتفاق نظر وجود ندارد. با این حال، بیشتر صاحب‌نظران، بر لزوم ایجاد زیرساخت‌های لازم توسط دولت که شامل نهادهای حافظ حقوق مالکیت، سیاست‌گذاری و امنیت است، برای عملکرد بهتر بازار تأکید می‌کنند.

مطالعات چند دهه اخیر، برخی اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، نشان می‌دهد فراتر رفتن اندازه دولت از حدود مورد نیاز برای ارائه خدمات پایه‌ای، منجر به کاهش رشد اقتصادی می‌شود (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵). البته برخی محققان هم از نظارت و دخالت دولت در اقتصاد حمایت می‌کنند و آن را از عوامل مهم در رشد اقتصادی و توسعه پایدار می‌دانند. میردال^۲ معتقد است: دخالت بیشتر دولت در اقتصاد، می‌تواند رشد اقتصادی را تقویت کند؛ زیرا می‌توان با درگیر کردن دولت در اقتصاد تاندازه‌ای برای کاهش نابرابری اجتماعی اقدام کرد و این، یکی از عوامل تعیین‌کننده رشد است، زیرا نابرابری اجتماعی فرصت‌های پیش روی افراد کم‌درآمد جهت استفاده از استعدادهای آن‌ها را محدود می‌کند (لکزبان و غفرانی، ۱۳۹۲).

بنابراین، اندازه متناسب دولت، به عنوان بحثی جدال‌انگیز بین اقتصاددانان همچنان ادامه دارد. به طور مشخص، طی چندین دهه اخیر، گسترش اندازه دولت، تأثیر منفی بر

1. Bjornskov *et al.*

2. Myrdal

رشد اقتصادی داشته است (سوری و کیهانی، ۱۳۸۲). به طوری که با استفاده از ابزارهای مختلفی مانند مخارج دولتی، از هر دو جنبه تئوری و تجارب عملی کشورها، آثار تورمی ناشی از افزایش بیش‌ازحد اندازه دولت اثبات گردیده است (مجدزاده طباطبایی و نعمت‌الهی، ۱۳۸۹).

افزایش حجم دولت، انحصارگری را در اقتصاد ایجاد می‌کند. انحصار تخصیص منابع و اتخاذ تصمیمات متمرکز توسط دولت، معمولاً به رشد اقتصادی پایدار نمی‌انجامد (ودر^۱، ۱۹۹۸). عدم وجود فضای رقابتی در کشور، کارآیی بنگاه‌های تولیدی و سرمایه را کاهش می‌دهد. با توجه به تحولات در تجارت بین کشورها و جریان سرمایه‌گذاری بین‌المللی، نظریه‌پردازان اقتصاد جهانی پس از شرح تغییرات صورت گرفته در ساختار قدرت، تأثیر آن بر پیدایش دولت رقابتی را مورد بررسی و واکاوی قرار دادند؛ به گونه‌ای که از یک‌سو، جنبه توزیعی قدرت و خصوصی شدن اقتدار، می‌تواند بر خصوصی شدن و بازاری شدن دولت‌ها تأثیر بگذارد و از سوی دیگر، اهمیت یافتن مزیت رقابتی و ارتقای رقابت در نظام جهانی، موجب شکل‌گیری دولتی جدید خواهد شد. این دولت جدید، همان دولتی محسوب می‌شود که فیلیپ سرنی برای نخستین بار آن را "دولت رقابت" نامید (آجیلی و نژال، ۱۳۹۵: ۱۷۵-۱۶۵). در حقیقت، سرنی اذعان دارد دولت رقابتی، دولتی است که بازیگران سیاسی و بوروکراتیک، تمرکز خویش را از اشکال سنتی مداخله دولت به اقداماتی سوق می‌دهند که رقابت‌پذیری شرکت‌های ملی و سیاست‌های اقتصادی را در بازارهای جهانی تضمین کند (آندر‌هیل و استاپس^۲، ۲۰۰۵).

با وقوع پدیده‌ای چون "جهانی‌شدن"، رقابت واقعی یک کشور صرفاً متکی بر عوامل تولید از قبیل سرمایه، منابع طبیعی و نیروی کار و ... نیست؛ بلکه پیشرفت و نوآوری در روش و فناوری مهم‌ترین عناصر در انباره محسوب می‌شوند، زیرا در اثر الحاق اغلب کشورها به دایره اقتصاد جهانی، می‌توان بسیاری از عوامل تولید مدنظر تئوری پردازان

1. Vedder
2. Underhill & Stubbs

مزیت نسبی را به کشور خویش وارد نمود؛ بنابراین، با توجه به آنکه رقابت‌پذیری، امری پویا و تکامل‌پذیر است و با تغییرات فناوری، همبستگی مثبتی دارد، تئوری جدید می‌باید تغییر و نوآوری را در روش و فناوری به‌عنوان یک عنصر مهم در نظر گیرد (پورتر^۱، ۱۹۹۶).

دولت‌ها همانند گذشته، فعالیت‌های اقتصادی خویش را در خارج از بازار به انجام نمی‌رسانند؛ بلکه افزایش بازاری شدن را پیگیری می‌نمایند. در این راستا، بر پیگیری سیاست‌هایی همانند خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی، کنترل غیرمستقیم اقتصاد، تشویق تشکیل شرکت‌ها، نوآوری و سودآوری تأکید می‌ورزند. بر این اساس، می‌توانیم شاهد شکل‌گیری دولتی باشیم که خصوصی‌سازی، بازاری شدن، رقابت‌پذیری و ... از مهم‌ترین عناصر آن به شمار می‌آیند (آجیلی و نژال، ۱۳۹۵: ۱۷۵-۱۶۵). دولت‌ها از کانال‌های مختلفی بر روی جهانی‌شدن اقتصاد تأثیر می‌گذارند، از جمله:

أ) محدودیت‌های اقتصادی: وجود قوانین متعدد و نظارت‌های بیش‌ازحد، فشارهایی را بر بنگاه‌ها علی‌الخصوص بنگاه‌های تازه تأسیس، وارد می‌آورند که می‌توانند مانع از ادامه کار آن‌ها گردند (کیرزner^۲، ۱۹۸۵). دولت بزرگ‌تر به‌طور طبیعی با محدودیت‌های بیشتر اقتصادی، مالی، تجاری و غیره همراه است. در صورتی که در بستر اقتصاد جهانی و بازارهای بین‌المللی، محدودیت‌های بسیار کمتری وجود دارد. دولت‌ها توان مداخله در معاملات و بازارهای جهانی را ندارند و حتی سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان جهانی تجارت (WTO) دولت‌ها را موظف به کاهش دخالت‌های خود در حوزه تجارت و بازرگانی ملی می‌کنند. هرچند ممکن است گفته شود دولت‌های مداخله‌گر همراه با حمایت‌های بیشتر از بنگاه‌های داخلی است، ولی تجربه توسعه جوامع نشان می‌دهد که عموماً دخالت‌های گسترده دولت در اقتصاد، موجب تضعیف عملکرد بنگاه‌های اقتصادی خصوصی می‌شود.

1. Porter
2. Kirzner

ب) تضعیف بخش خصوصی و رقابت‌پذیری اقتصاد: افزایش بیش از اندازه دولت و دخالت آن در اقتصاد نیز می‌تواند بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و در نتیجه تولید کل اقتصاد، از طریق جانشینی جبری^۱ اثر منفی داشته باشد (کميجانی و همکاران، ۱۳۹۳: و دوسل و ولدخانی^۲، ۲۰۰۳). دولت بزرگ، بخش بزرگی از منابع اقتصادی را به خود جذب کرده و در نتیجه، منابع کمتری برای بخش خصوصی باقی خواهد ماند. در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، مهم‌ترین مشکل اقتصاد ایران در مسیر رقابت‌پذیری، کمبود منابع مالی ذکر شده است (گزارش رقابت‌پذیری جهانی^۳، ۲۰۱۶) که می‌تواند ناشی از گستردگی بخش دولتی باشد.

ج) گسترش رانت و فساد: گستردگی بخش دولتی و محدودیت در آزادی‌های اقتصادی و نظارت‌های شدید، انگیزه افراد را برای ورود به فعالیت‌های رانت‌جویانه به جای کارآفرینی تشدید می‌کند. واقعیت این است که فساد و رانت در بخش عمومی و دولتی، معنی واقعی پیدا می‌کند (تمادو^۴، ۲۰۱۴ و کوته‌را و همکاران^۵، ۲۰۱۲). وقتی نزدیک شدن به منابع رانت و فساد، موجب موفقیت‌های اقتصادی شود، آن‌ها تشویق خواهند شد از تنش‌های تولید دور شده و به این فعالیت‌ها رو آورند. در چنین محیط رانت‌جویانه ای، فعالیت‌های آزاد و خصوصی تضعیف شده و لذا فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد دچار آسیب کلی می‌شود. افزایش حجم و اندازه دولت، طبیعتاً می‌تواند با افزایش فساد در اقتصاد همراه شود. مور^۶ (۱۹۶۶) در کتابی تحت عنوان ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی، دیکتاتوری و دموکراسی بر این باور است که با ورود نفت به جریان اقتصادی و حجیم‌تر شدن دولت و رانتی شدن فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن فعالیت‌های اجتماعی، آزادی‌های اقتصادی مردم محدود می‌شود و این به نوبه خود، در تضاد با ایجاد

-
1. Crowding out effect
 2. Doessel and Valadkhani
 3. Global Competitiveness Report
 4. Themudo
 5. Kotera *et al.*
 6. Moore

جامعه مدنی است. دولت رانتهی به علت بهره‌گیری از درآمدهای ناشی از رانت، نیاز چندانی را به مالیات‌ها احساس نمی‌کند و در نتیجه چنین روندی علاوه بر آنکه توانمندی توزیع عادلانه ثروت و قدرت در جامعه را به تدریج از بین می‌رود، همچنین دولت نسبت به استخراج بهینه سایر توانمندی‌ها در جامعه نیز کم‌توجه می‌شود که پیامد آن این است که جامعه به توسعه‌یافتگی لازم نمی‌رسد (عسکری، ۱۳۸۹: ۱۸۵). مسئله دیگر، این است که گسترش حضور دولت در اقتصاد، همراه با گسترش عدم شفافیت‌ها است (کوپیتس و گریک^۱، ۱۹۹۸) و چنین محیطی برای عملکرد بنگاه‌های ملی و ورود بنگاه‌های بین‌المللی مضر خواهد بود.

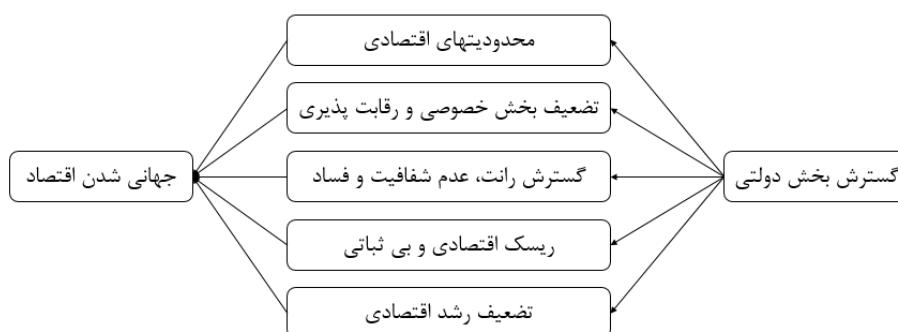
د) ریسک اقتصادی و بی‌ثباتی: وقتی دولت به‌طور گسترده در اقتصاد دخالت دارد، تغییر دولت‌ها بالطبع موجب تغییرات بزرگی در رویه‌ها و تصمیمات گردیده و لذا موجب بی‌ثباتی فضای اقتصادی و افزایش ریسک ناشی از آن خواهد شد (گالی^۲، ۱۹۹۷ و افونسو و فورسری^۳، ۲۰۱۰). وقتی قوانین و برنامه‌های کلان اقتصادی مثلاً با تغییر دولت‌ها، تغییر یابد، اعتماد بنگاه‌های اقتصادی به آینده تضعیف‌شده و برنامه‌ریزی بخش خصوصی دچار مشکل می‌شود.

ه) تضعیف رشد اقتصادی: مطالعات نظری و تجربی زیادی در ادبیات دانش اقتصادی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت بزرگ‌تر، موجب تضعیف رشد اقتصادی می‌شود (رام^۴، ۱۹۸۶؛ اسچر^۵، ۱۹۸۹؛ مونل^۶، ۱۹۹۳؛ کولومبیر^۷، ۲۰۱۵ و برک و هنکرسون^۸، ۲۰۱۱). این در حالی است که رشد اقتصادی مداوم، موجب بهبود رقابت‌پذیری یک اقتصاد و ورود آن به بازارهای جهانی می‌شود. لذا جدا از کانال‌های تأثیرگذاری اندازه دولت بر

-
1. Kopits and Craig
 2. Gali
 3. Afonso and Furceri
 4. Ram
 5. Aschauer
 6. Munel
 7. Colombier
 8. Bergh & Henrekson

رشد اقتصادی (که ادبیات گسترده‌ای دارد)، اندازه بزرگ دولت از طریق تضعیف سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی نیز می‌تواند فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد را دچار آسیب کند.

شکل ۱. کانال‌های تأثیرگذاری اندازه دولت بر روی جهانی‌شدن اقتصاد



۲-۳. سایر عوامل مؤثر بر جهانی‌شدن اقتصاد

جهانی‌شدن، فرآیند پیچیده‌ای است که در شکل‌دهی آن، عوامل متعددی دخیل هستند. از جمله این عوامل، کیفیت نهادها، تورم، و هزینه‌های تحقیق و توسعه است.

۲-۳-۱. تحقیق و توسعه

یکی از مباحث مهم اقتصادی در دهه‌های اخیر، نقش تحقیق و توسعه و سرمایه انسانی در فرآیند رشد اقتصادی است. از جمله عوامل تأثیرگذار در زمینه اختلاف بین نرخ رشد اقتصادی کشورها، علاوه بر تفاوت در سرمایه فیزیکی، اختلاف در به‌کارگیری استعدادهای نیروی انسانی و تحقیق و توسعه است (دهقانی و همکاران، ۱۳۸۶ و کمیجانی و معمارنژاد، ۱۳۸۳). تحقیقات نشان می‌دهد، در صورتی که یک بنگاه، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه (R&D) را کاهش دهد، بسیار بیشتر از صرفه‌جویی‌اش زیان خواهد دید.

توجه به کارآیی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در تحقیق و توسعه، می‌تواند به جذب بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر شود (مجیدی‌فر، ۱۳۹۴). لذا امروزه روند تحولات مسیر متفاوتی را می‌پیماید. فاصله تکنولوژیکی کشورهای غنی با کشورهای در حال توسعه، حداقل رویه کاهشی نیست و اختراعات بازگشت‌فزاینده به مقیاس دارند؛ یعنی کشورهایی که فناوری پیشرفته دارند، بهترین مکان برای اختراعات بیشتر و بنابراین، محیطی که مملو از ایده است، زنجیره‌ای از اختراعات را به وجود آورده، به‌علاوه، انگیزه اختراع، بستگی به اندازه بازار دارد و اختراع، هزینه‌های ثابتی چون هزینه‌های (R&D) دارد که هرچه بازار وسیع‌تر باشد، این چرخه سریع‌تر به حرکت می‌آید. بنابراین، پیشرفت سریع فناوری در روند جهانی‌شدن نقش بسزایی داشته است (به‌کیش، ۱۳۸۹: ۳۸). در بعد کلی‌تر، آموزش نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت یک جامعه در فرآیند جهانی‌شدن (سه‌م‌بری از دهکده جهانی) دارد (هرومکوا و اگنس^۱، ۲۰۱۸). آموزش از کانال‌های آموزش نیروی کار، بهره‌وری و اقتصاددانش بنیان، می‌تواند بر رقابت‌پذیری اقتصاد مؤثر باشد.

۲-۳-۲. کیفیت نهادها

تفاوت در ماهیت و عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی، یکی از علل تفاوت در سطوح توسعه‌یافتگی کشورها است (آذرمنند، ۱۳۸۵).

شیرازی و همکاران (۱۳۹۰) و آذربایجانی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی تأثیر کیفیت نهادها بر تجارت خارجی کشورها پرداخته و نشان دادند کاهش فساد در این کشورها، موجب افزایش تجارت آن‌ها می‌شود.

لفچنکو^۲ (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان "کیفیت نهادی و تجارت بین‌الملل"، تفاوت‌های کیفیت نهادی را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده جریان‌های تجاری نشان دادند. نگاهی به تجربه کشورهای موفق، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری یکی از عوامل اصلی

1. Hromcová & Agnese

2. Levchenko

پیشرفت آن‌ها است. افزون بر متغیرهای اقتصادی، متغیرهای غیراقتصادی نظیر ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم اشخاص و گروه‌ها برای سرمایه‌گذاری دارد. بررسی تاریخی موانع تولید، ناظر بر این است که تشکیل نهادهای قانون‌گذاری و نهادهای اقتصادی، عملکرد نهادهای سیاسی و حقوقی و کیفیت دستگاه اداری و پرهیز از بوروکراسی در جوامع مذکور، نقش مهمی در ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری داشته است (آذین سادات، ۱۳۹۲).

۲-۳-۳. تورم

تورم، افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها و یا کاهش مستمر قدرت خرید، یکی از حادثترین مشکلات جهانی است که باوجود پیشینه طولانی تحلیل و بررسی، کماکان موردبحث است و جزء دغدغه‌های اصلی سیاستمداران و اقتصاددانان به شمار می‌رود (طیب‌نیا و فولادی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). کشوری که اقتصاد آن دچار تورم بالا می‌شود، از نظر قیمتی، توان رقابتی خود را در بازار بین‌المللی از دست می‌دهد (اتاق بازرگانی، ۱۳۸۷). اقتصاد تورمی، بزرگ‌ترین لطمه را در صادرات می‌بیند و برعکس آن، در خصوص واردات اتفاق می‌افتد، که اقتصاد بین‌المللی باثبات است و قیمت‌های داخلی بالاتر از آن است. لذا سود با واردات بوده و این امر باعث می‌شود تمایل به واردات زیاد و صادرات کم شود، و نهایتاً، کشور با یک تراز تجاری منفی روبه‌رو خواهد بود و توان رقابتی خود را در بازارهای جهانی از دست خواهد داد (وزارت امور اقتصادی، ۱۳۸۷).

۳. پیشینه پژوهش

مطالعات تجربی متعددی پیرامون اثرات اندازه دولت در اقتصاد انجام شده است. دو دیدگاه کلی درباره اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در میان اقتصاددانان وجود دارد؛ دیدگاه اول، تأثیر منفی اندازه دولت روی رشد اقتصادی را بیان می‌کند و دیدگاه دوم،

اثر مثبت آن بر روی رشد را مورد تأیید قرار می‌دهد (گلاپ و دینسر^۱، ۲۰۰۵). نتایج مطالعات تجربی، هر دو دیدگاه رقیب را مورد تأیید قرار می‌دهد. برای مثال گمل^۲ (۱۹۹۸)، لندو^۳ (۱۹۸۳)، ساندرز^۴ (۱۹۸۵)، رامر^۵ (۱۹۹۰)، رامر^۶ (۱۹۸۹)، و گاسه^۷ (۱۹۹۷)، نتیجه گرفته‌اند که اندازه بزرگ‌تر دولت به واسطه ناکارایی‌های موجود در ذات دولت، رشد اقتصادی را کاهش دهد.

در این میان، افرادی مانند بارو (۱۹۹۱)، این نتیجه را در قالب یک رابطه غیرخطی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی نشان داده‌اند. گروهی از محققان همچون رابینسون^۸ (۱۹۷۷)، رام (۱۹۸۶)، گراسمن (۱۹۹۰)، هولمز و کاتون^۹ (۱۹۹۰) نیز، نقش مهمی را برای دولت در فرآیند رشد اقتصادی تصویر می‌کنند (بازمحمدی و چشمی، ۱۳۸۵).

بیشتر مطالعات قبلی، بر روی تأثیرگذاری شاخص‌های جهانی‌شدن و تجارت آزاد بر روی اندازه دولت متمرکز بوده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد جهت علیت برعکس آن باشد. بدین معنی که اندازه دولت توسط ایدئولوژی‌ها و روابط اجتماعی حاکم بر جامعه تعیین می‌شوند و در گام بعدی، ساختار دخالت دولت در اقتصاد، وضعیت ارتباط آن با اقتصادهای جهانی را مشخص می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد این یک ضعف نسبتاً قابل توجهی در مطالعات پیشین باشد.

واکزیرگ و آلسینا^{۱۰} (۱۹۹۸) و رام (۲۰۰۷)، در مطالعات جداگانه‌ای به این نتیجه رسیدند که مابین درجه باز بودن اقتصاد و شاخص اندازه دولت، یک ارتباط منفی و

-
1. Gunlap and Dincer
 2. Gemmel
 3. Landau
 4. Saunders
 5. Barro
 6. Romer
 7. Guseh
 8. Rubinson
 9. Holmes and Hutton
 10. Alesina & Wacziarg

معنی‌داری وجود دارد. آن‌ها نشان دادند که با افزایش شاخص جهانی‌شدن، اندازه دولت‌ها کوچک‌تر می‌شود.

برتسگر^۱ (۲۰۰۲)، در مطالعه‌ای نشان داد که جهانی‌شدن، تأثیر مستقیمی بر اندازه دولت دارد و موجب افزایش مخارج دولت شده است و انتظار می‌رود اندازه دولت بزرگ‌تر شده باشد.

کارت و میچل^۲ (۲۰۰۱)، به‌ویژه ادعا می‌کنند که افزایش تجارت، باعث کاهش کل هزینه‌های دولتی به‌صورت سهمی از تولید ناخالص داخلی خواهد شد.

آرسپرانگ^۳ (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای پیرامون موضوع جهانی‌شدن و دولت رفاه، به اثر جهانی‌شدن بر روی اندازه دولت اشاره می‌کند. او معتقد است جهانی‌شدن با توجه به اثر کارآیی، اندازه دولت‌ها را کوچک‌تر کرده و بر کارآیی آن‌ها می‌افزاید.

اونی‌ویو^۴ (۲۰۰۲) و شاه‌آبادی و محمودی (۱۳۹۰)، در مطالعات جداگانه‌ای نشان دادند شاخص اندازه دولت، تأثیر منفی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. از طرف دیگر، دخالت‌ها و محدودیت‌هایی که دولت ایجاد می‌کند و سایه سنگین دولت بر بخش‌های مختلف اقتصاد از جمله بازار ارز، اعتبارات، پول و سرمایه (اعم از سرمایه داخلی و خارجی)، آزادی عمل و قدرت مانور فعالان اقتصادی را از بین می‌برد.

کلیمنووا و همکاران^۵ (۲۰۱۶)، طی مطالعه‌ای به بررسی تأثیر مداخلات دولت بر جهانی‌شدن سیستم بانکی می‌پردازند. مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که مداخلات دولتی، تأثیر وسیعی بر عمق و گستردگی جهانی‌شدن بانکداری دارد، هرچند ممکن است، پس از مداخله‌های عمومی، این اثرات کمرنگ شوند.

-
1. Bretschger
 2. Garrett and Mitchell
 3. Ursprung
 4. Onyeiwu
 5. Kleymenova *et al.*

دیویس و ون-وینکوپ^۱ (۲۰۱۸)، طی مطالعه‌ای برای ۱۲۷ کشور پیشرفته و در حال توسعه جهان، به این نتیجه رسیده‌اند که جهانی‌شدن مالی (سهام‌داری‌ها و بدهی‌های خارجی) در طول زمان، رو به افزایش بوده است. همچنین افزایش جهانی‌شدن تجارت (صادرات و واردات)، باعث کاهش رابطه بین جریان سرمایه و جریان خروجی می‌شود.

فلاحتی و سپهبان (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای به بررسی اثرات آزادسازی‌های تجاری و مالی بر اندازه دولت در ایران پرداخته‌اند. مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد، هم در بلندمدت و هم در کوتاه‌مدت، آزادسازی مالی (سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) و آزادسازی تجاری، تأثیر منفی بر روی اندازه دولت دارد.

فطرس و امامی (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با تأکید بر اثر حق ثبت اختراع"، به بررسی رابطه اندازه دولت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌پردازند. آنان در این مقاله، نشان می‌دهند که اندازه دولت، اثر منفی و معناداری بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، اغلب مطالعات، تأثیر جهانی‌شدن بر روی اندازه دولت را مورد بررسی قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به ادبیات الزامات جهانی‌شدن، اندازه دولت، نه تنها می‌تواند بر روی جهانی‌شدن اقتصاد یک جامعه مؤثر باشد، بلکه کشوری می‌تواند از شاخص جهانی‌شدن اقتصادی، سرمایه‌گذاری و صادرات بالاتر برخوردار باشد که حجم دولت کوچک‌تری داشته باشد.

۴. روش‌شناسی

اکثر محققان اقتصادی به دنبال بررسی پویایی در روابط اقتصادی هستند. استفاده از داده‌های پانل و مدل‌های پویا در این سری از داده‌ها، این امکان را فراهم می‌آورد که

1. Davis & Van-Wincoop

پویایی روابط از این طریق، بهتر درک شود. داده‌های تابلویی، مزایای بسیاری نسبت به داده‌های مقطعی یا سری زمانی دارند. داده‌های تابلویی ما را قادر می‌سازند تا مدل‌های رفتاری پیچیده‌تر را مطالعه کنیم. مدل‌های تخمین زده‌شده از درجه آزادی بالایی برخوردار هستند و به نتایج برآورد شده، اعتماد بیشتری می‌توان داشت (گجراتی، ۱۳۹۱).

روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ (GMM) توسط هانس^۲ (۱۹۸۲) توسعه یافت که چارچوب راحتی را برای به دست آوردن تخمین‌هایی با کارایی مجانبی فراهم می‌سازد. این روش، اثرات تعدیل پویای متغیر وابسته را در نظر می‌گیرد. اگر متغیر وابسته با مقادیر با وقفه وارد مدل شود، سبب خواهد شد که بین متغیرهای توضیحی و جملات اخلاص، همبستگی به وجود آید و در نتیجه، استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، نتایج تورش‌دار و ناسازگاری را نشان خواهد داد. روش گشتاورهای تعمیم‌یافته می‌تواند با به‌کارگیری متغیرهای ابزاری، این ایراد را برطرف کند. برای بیان جبری و ریاضی این روش، مدل پویای زیر را در نظر می‌گیریم.

$$y_{it} = \alpha y_{i,t-1} + \beta X_{it} + \eta_i + \varphi_i + \varepsilon_i \quad (1)$$

در رابطه فوق، y متغیر وابسته، X بردار متغیرهای توضیحی، η بیانگر اثرات انفرادی یا ثابت، φ اثرات ثابت زمان، ε جمله اخلاص و i و t به ترتیب، بیانگر مقاطع و دوره زمانی است. در تصریح مدل فوق، فرض می‌شود که جملات اخلاص دارای همبستگی با اثرات ثابت یا اثرات انفرادی بخش‌ها و مقادیر وقفه دار متغیر وابسته نیست، در صورتی که η با برخی از متغیرهای توضیحی همبستگی داشته باشد.

نمونه مطالعاتی این پژوهش مربوط به منتخبی از کشورهای جهان (۹۵ کشور به اسامی مندرج در ضمیمه) برای دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۸۵ است. برای برآورد مدل‌ها، از رویکرد داده‌های پانل پویا و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده شده است.

1. Generalized Method of Moments

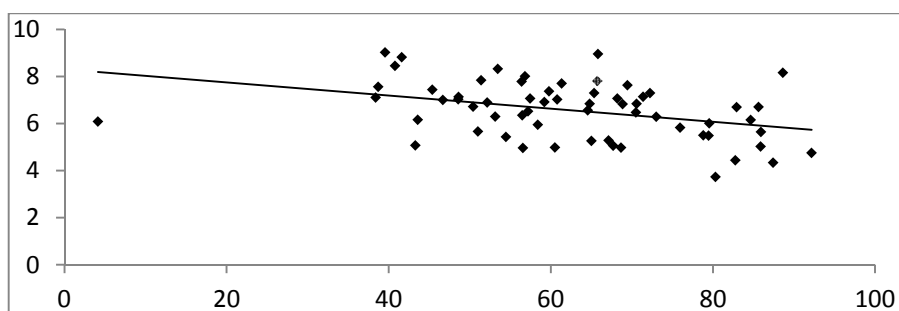
2. Hans

برای نیل به نتایج قابل‌اعتمادتر، در این مطالعه سعی شده است که از آمار همه کشورها استفاده گردد. با توجه به اینکه حدود دخالت دولت در هر دو گروه از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، سطوح مختلفی را شامل شده و اثرات متفاوتی بر روی جهانی‌شدن اقتصاد می‌تواند داشته باشد، لذا در صورت انتخاب طیف وسیع‌تری از کشورها، علاوه بر افزایش تعداد نمونه، اثر سایر ویژگی‌های کشورها مانند جغرافیا و سایر مشخصات، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، که ممکن است به فرآیند جهانی‌شدن کمک کند، حذف می‌گردد تا بتوان قضاوت دقیق‌تری در خصوص تأثیر اندازه دولت بر روی جهانی‌شدن اقتصاد در کشورها داشت؛ که با توجه به محدودیت وجود داده‌های منظم و کافی برای همه کشورها، از یک نمونه ۹۵ کشور جهان شامل ایران استفاده شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. بررسی توصیفی رابطه بین اندازه دولت و جهانی‌شدن

برای بررسی توصیفی رابطه اندازه دولت با شاخص جهانی‌شدن، از شکل شماره ۲ می‌توان بهره برد. در این نمودار، در محور افقی، اندازه دولت و در محور عمودی، شاخص جهانی‌شدن برای کشورهای مورد بررسی در تحقیق حاضر برای سال ۲۰۱۴ برای کشورهای نمونه، نمایش داده شده است. همان‌طور که در این نمودار نیز مشخص است، در کشورهایی که اندازه دولت در اقتصاد بزرگ‌تر است، شاخص جهانی‌شدن در سطح پایینی قرار دارد؛ یعنی در جوامعی که اندازه دولت بیشتر است، روند جهانی‌شدن کند بوده است.



نمودار ۲. رابطه اندازه دولت با جهانی‌شدن در کشورهای منتخب

منبع: یافته‌های تحقیق

۲-۵. برآورد مدل اول

در مدل اول، با توجه به بررسی ادبیات نظری و تجربی موضوع، مدل زیر برای

بررسی تعیین‌کننده‌های شاخص جهانی‌شدن جوامع معرفی می‌گردد:

$$Lglob = \beta_0 - \beta_1 Lgsize + \beta_2 Lr\&d + \beta_3 Lgdp + \beta_4 Lcont + \beta_5 Ltechexp - \beta_6 Linf + \varepsilon \quad (2)$$

که در این مدل، $Lglob$ ، لگاریتم شاخص جهانی‌شدن (منبع: KOF)؛ $Lgsize$ ، لگاریتم شاخص اندازه دولت (منبع: بانک جهانی^۱)؛ $Lr\&d$ ، لگاریتم شاخص هزینه تحقیق و توسعه (منبع: بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر)؛ $Lgdp$ ، لگاریتم تولید داخلی سرانه (منبع: بانک جهانی)؛ $Lcont$ ، لگاریتم شاخص کیفیت نهادها (منبع: بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر)؛ $Ltechexp$ ، لگاریتم شاخص صادرات فناوری (منبع: بانک جهانی) و $Linf$ ، لگاریتم شاخص تورم (منبع: بانک جهانی) می‌باشد.

نتایج مدل اول، تأثیر اندازه دولت بر جهانی‌شدن را بررسی می‌کند. در جدول شماره

(۱)، نتایج برآورد مدل اول بیان‌کننده این است که اندازه دولت در سطح ۹۹ درصد،

تأثیر منفی و معنی‌دار بر روی جهانی‌شدن دارد. افزایش یک درصد میانگین متغیر اندازه

دولت، شاخص جهانی‌شدن را حدود ۰/۴ درصد کاهش می‌دهد.

1. World Development Indicators (WDI)

بناروچ و پاندی^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه خود نشان دادند که یک رابطه علیت قوی از اندازه دولت به سمت پایین بودن درجه باز بودن تجاری وجود دارد. کیماکووا^۲ (۲۰۰۹) در یک مطالعه با روش پانل دیتا برای ۸۷ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه برای دوره زمانی ۲۰۰۳-۱۹۷۶ به این نتیجه نائل شد که رابطه مثبتی بین اندازه دولت و موفقیت یک اقتصاد در بازارهای جهانی و جهانی‌شدن اقتصاد وجود دارد. کنترل فساد (که از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در جهانی‌شدن هستند)، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر روی شاخص جهانی‌شدن دارد. با بهبود یک‌واحدی در شاخص کنترل فساد، شاخص جهانی‌شدن به اندازه ۰/۵۹ واحد بهبود می‌یابد. در خصوص رابطه بین کنترل فساد و جهانی‌شدن اقتصاد، دی‌جونگ و بوگمن^۳ (۲۰۱۱) در مطالعه خود، نشان دادند که فساد، تأثیر منفی بر روی جهانی‌شدن اقتصاد (رشد تجارت) دارد. همچنین لالونتاس و همکاران^۴ (۲۰۱۱) در مطالعه خود برای ۱۲۷ کشور جهان، رابطه مثبت بین فساد و جهانی‌شدن را برای کشورهای با درآمد متوسط و بالا نتیجه گرفته‌اند.

تورم، تأثیر منفی بر شاخص جهانی‌شدن داشته است. همان‌طور که در ادبیات موضوع بیان شد، تورم داخلی، قیمت هزینه‌های تولید را افزایش داده و لذا قیمت تمام شده کالاهای تولیدشده در اقتصاد افزایش می‌یابد. از این‌رو، اقتصاد توان رقابتی خود را از دست می‌دهد.

بودلر و مالیک^۵ (۲۰۰۵)، در مطالعه با رویکرد پانل دیتا برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۶۱، رابطه منفی بین باز بودن اقتصاد و نوسانات تورم در یک اقتصاد را نتیجه گرفته‌اند که با مطالعه حاضر در یک راستا است. همچنین هزینه تحقیق و توسعه (R&D) نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد، تأثیر مثبت

-
1. Benarroch & Pandey
 2. Kimakova
 3. De Jong & Bogmans
 4. Lalountas *et al.*
 5. Bowdler & Malik

و معنی دار بر شاخص جهانی شدن داشته است؛ چراکه ریشه اصلی توانمندی تعاملات جهانی یک جامعه را، توان علمی و تکنولوژیکی آن جامعه مشخص می‌کند. در خصوص رابطه بین مخارج تحقیق و توسعه و جهانی شدن اقتصاد، کوکیا^۱ (۲۰۱۲) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده است که افزایش هزینه‌های تحقیق و توسعه، موجب بهبود رقابت‌پذیری اقتصاد می‌شود. در نهایت، بر اساس انتظار تئوریک متغیر تولید داخلی سرانه، تأثیر مثبت بر روی شاخص جهانی شدن دارد. هرچه اقتصاد ملی کشورها قدرتمندتر باشند، توان چانه‌زنی آن‌ها در سطح جهانی افزایش یافته و سهم بیشتری از تعاملات جهانی را خواهند داشت.

جدول ۱. تأثیر اندازه دولت بر روی جهانی شدن در کشورهای منتخب جهان

نام متغیر	ضرایب	آماره Z	ارزش احتمال
Lglob (-1)	-۰/۰۴	-۶/۷۰	۰/۰۰۰
Lgsize	-۰/۳۸	-۲۵/۰۸	۰/۰۰۰
Lr&d	۰/۴۶	۱۵/۱۲	۰/۰۰۰
Lgdp	۰/۳۰	۱۷/۵۹	۰/۰۰۰
Lcont	۰/۵۹	۶/۴۵	۰/۰۰۰
Ltechexp	۰/۰۴	۹/۲۶	۰/۰۰۰
Linf	-۰/۰۶	-۱۵/۶۷	۰/۰۰۰
C	۵/۸۴	۱۰/۲۶	۰/۰۰۰
رتبه اول: رتبه دوم: رتبه اول: رتبه دوم:	مقدار آماره Z	آماره سارگان:	۴۵/۹۳۹
			۰/۹۹
رتبه اول: رتبه دوم:	مقدار آماره Z	سارگان:	۰/۰۰۱
			۰/۳۹
رتبه اول: رتبه دوم:	ارزش احتمال	سارگان:	۰/۸۷
			۰/۳۹

منبع: یافته‌های تحقیق

1. Coccia

همان طور که در قسمت روش اقتصادسنجی گشتاورهای تعمیم یافته گفته شد، بعد از تخمین مدل، دو آزمون خودهمبستگی و سارگان ضروری است. با توجه به نتایج آزمون خودهمبستگی، همان طور که مشاهده می شود، مدل مورد برآورد، خودهمبستگی نداشته است و همچنین از آنجایی که آماره آزمون سارگان نیز ارزش احتمال بیشتر از ۵ درصد را دارد، این نتیجه، معتبر بودن ضرایب را تأیید می کند.

۵-۲. برآورد مدل دوم

در مدل دوم، تأثیر اندازه دولت بر روی جذب سرمایه گذاری خارجی به عنوان شاخصی که نشان دهنده موفقیت اقتصاد یک کشور در جذب سرمایه های بازارهای بین المللی است، مورد برآورد قرار می گیرد. برای این کار، مدل زیر معرفی می شود:

$$Lfdi = \beta_0 - \beta_1 Lgsize + \beta_2 Lhdi + \beta_3 Lrent + \beta_4 Lgdp + \beta_5 Lcont + \beta_6 Ltarif - \beta_7 Linf + \varepsilon \quad (3)$$

که در این معادله، $Lfdi$ ، سرمایه گذاری مستقیم خارجی (منبع: بانک جهانی)؛ $Lhdi$ ، شاخص توسعه انسانی (منبع: برنامه توسعه سازمان ملل UNDP)؛ $Lrent$ ، رانت منابع طبیعی (منبع: بانک جهانی)؛ $Lcont$ ، کنترل فساد (منبع: بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر) و $Ltarif$ ، متوسط نرخ تعرفه ها (منبع: بانک جهانی) می باشد.

جدول ۲. تأثیر اندازه دولت بر روی جذب سرمایه گذاری در کشورهای منتخب جهان

نام متغیر	ضرایب	آماره Z	ارزش احتمال
lfdi (-1)	۰/۱۶	۷/۲۳	۰/۰۰۰
Lgsize	-۱/۲۰	-۶/۹۳	۰/۰۰۰
Lhdi	۵/۳۰	۱۲/۶۲	۰/۰۰۰
Lrent	۰/۰۲	۱/۷۶	۰/۰۷۸
Lcont	۲/۰۴	۷/۳۱	۰/۰۰۰
Linf	-۰/۱۸	-۱/۹۰	۰/۰۵۸

۰/۰۰۰	۳/۵۴	۰/۲۵	Lgdp		
۰/۱۳۵	-۱/۴۹	۰/۱۱	Ltarif		
۰/۰۰۰	۷/۷۴	۱۵/۵۹	C		
۵۲/۵۵	مقدار آماره χ^2	آماره سارگان:	۳/۱۸	مقدار آماره Z	مرتبه اول: آزمون آماری مهمی
			۰/۰۰۱	ارزش احتمال	
۱/۴۲	مقدار آماره Z		مرتبه دوم: آزمون آماری مهمی		
۰/۱۵	ارزش احتمال				
۰/۹۹	ارزش احتمال				

منبع: یافته‌های تحقیق

در مدل دوم، تأثیر اندازه دولت بر سرمایه‌گذاری خارجی را بررسی می‌کنیم. نتایج این مدل در جدول شماره (۲) آمده است. نتایج برآورد این مدل، نشان می‌دهد اندازه دولت در سطح ۹۹ درصد، تأثیر منفی و معنی‌دار بر روی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. افزایش یک درصد میانگین متغیرهای اندازه دولت، شاخص FDI را حدود ۱/۲ درصد کاهش می‌دهد. همچنین تورم، تأثیر منفی و معنی‌دار بر روی شاخص FDI دارد. افزایش یک درصدی در تورم، موجب کاهش حدود ۰/۱ درصد شاخص FDI می‌شود و سایر متغیرها، شامل: تولید داخلی، شاخص توسعه انسانی، شاخص دارا بودن منابع طبیعی، کنترل فساد و شاخص نرخ تعرفه‌ها، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر شاخص FDI داشته است.

وحیدالزمان^۱ (۲۰۰۲)، در مطالعه خود برای کشورهای آسیای جنوب شرقی به این نتیجه نائل آمده است که شاخص توسعه انسانی، نقش تعیین‌کننده در رقابت‌پذیری اقتصاد و جهانی‌شدن اقتصاد دارد که با مطالعه حاضر، در یک‌جهت می‌باشد.

1. Waheeduzzaman

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مدل مورد برآورد، خودهمبستگی نداشته است و همچنین از آنجایی که آماره آزمون سارگان نیز ارزش احتمال بیشتر از ۵ درصد را دارد، این نتیجه معتبر بودن ضرایب را تأیید می‌کند.

۴-۵. برآورد مدل سوم

در این مدل، تأثیر اندازه دولت بر سهم صادرات از تولید داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. افزایش سهم صادرات از تولید داخلی، شاخصی برای حضور موفق اقتصاد در بازارهای بین‌المللی و جهانی‌شدن اقتصاد است. برای بررسی این موضوع مدل زیر معرفی می‌گردد:

$$\text{lexport} = \beta_0 - \beta_1 \text{Lgsize} + \beta_2 \text{Lhdi} - \beta_3 \text{linf} + \beta_3 \text{Lr\&d} + \beta_4 \text{exch} + \varepsilon \quad (۴)$$

که در این مدل، lexport ، صادرات کالا و خدمات (منبع: بانک جهانی) و Lexch ، نرخ ارز در بازار (منبع: بانک جهانی) می‌باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل سوم در جدول شماره ۳ آمده است.

در مدل سوم، جهت استحکام دو مدل قبلی و بررسی بیشتر جهانی‌شدن از نظر اقتصادی، تأثیر اندازه دولت بر صادرات بررسی می‌شود. نتایج این مدل در جدول شماره (۳) آمده است. همانند دو مدل قبلی، اندازه دولت، تأثیر منفی بر روی میزان صادرات دارد. شاخص اندازه دولت در سطح ۹۹ درصد، تأثیر منفی و معنی‌دار بر روی شاخص صادرات دارد. افزایش یک درصد میانگین متغیرهای اندازه دولت، شاخص صادرات کالا و خدمات را حدود ۰/۷ درصد کاهش می‌دهد. همچنین تورم نیز مانند دو مدل قبل، تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. افزایش یک درصدی در تورم، موجب کاهش حدود ۰/۱۳ درصد شاخص صادرات می‌شود و سایر متغیرها، شامل: شاخص توسعه انسانی، هزینه تحقیق و توسعه و قیمت ارز در بازار، تأثیر مثبت و معنی‌دار بر شاخص صادرات داشته است و افزایش یک درصدی در شاخص قیمت ارز، موجب افزایش حدود ۰/۱ درصد شاخص صادرات می‌شود.

همانند دو مدل قبلی، این مدل خودهمبستگی نداشته است و همچنین از آنجایی که آماره آزمون سارگان نیز ارزش احتمال بیشتر از ۵ درصد را دارد، این نتیجه معتبر بودن ضرایب را تأیید می‌کند.

جدول ۳. تأثیر اندازه دولت بر روی سهم صادرات از تولید داخلی

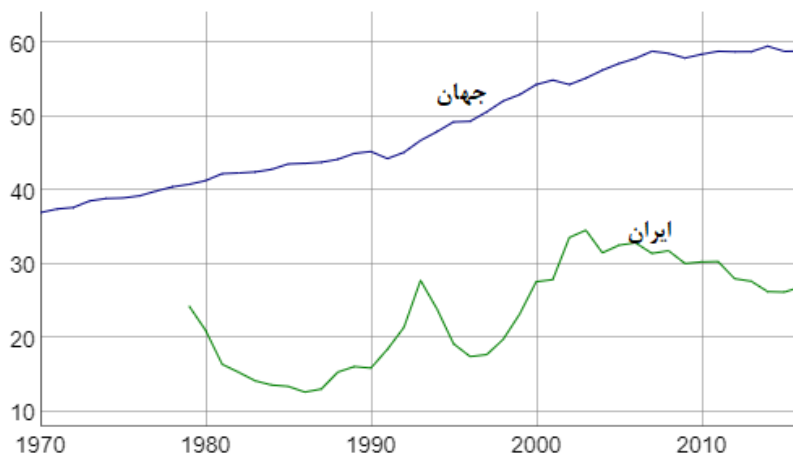
نام متغیر	ضرایب	آماره Z	ارزش احتمال
lexport (-1)	۰/۶۱	۱۰۰/۸۸	۰/۰۰۰
Lgsize	-۰/۷۰	-۶/۲۴	۰/۰۰۰
Lhdi	۰/۰۹۲	۲/۲۰	۰/۰۲۸
Linf	-۰/۱۳	-۳۳/۸۹	۰/۰۰۰
R&d	۰/۰۲	۶/۴۳	۰/۰۰۰
exch	۰/۹۵	۱۰/۲۸	۰/۰۰۰
C	-۰/۳۲	-۱/۶۰	۰/۱۱
مرتبه اول: آزمون خودهمبستگی	مقدار آماره Z	مقدار آماره χ^2	۴۸/۹۳
	ارزش احتمال		۰/۰۰۰۲
مرتبه دوم: آزمون خودهمبستگی	مقدار آماره Z	ارزش احتمال	۰/۹۹
	ارزش احتمال		۰/۲۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۵-۵. جهانی شدن اقتصاد و اندازه دولت در ایران

همان‌طور که گفته شد، جهانی شدن اقتصاد به معنی توان رقابت اقتصاد در بازارهای جهانی است. یک جامعه زمانی می‌تواند رفاه شهروندان خود را به‌طور قابل‌توجهی بالا

ببرد که بتواند تولیدات خود را در سطح جهانی بفروشد. در نمودار شماره ۳ شاخص جهانی‌شدن اقتصاد (بر اساس شاخص KOF) برای جهان و ایران نمایش داده شده است. همان‌طور که در نمودار مشخص است، شاخص جهانی‌شدن اقتصاد در ایران نسبت به متوسط جهانی آن، پایین بوده و مخصوصاً از سال‌های ۲۰۰۴ به بعد روند نزولی به خود گرفته است. جهانی‌بودن اقتصاد، تصویری از سایر ابعاد یک جامعه مانند اقتصاد دانش‌بنیان، بهره‌وری و توان تکنولوژیکی را نیز ارائه می‌دهد، لذا به نظر می‌رسد توان تولید در سطح بین‌المللی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران است. علت‌یابی این موضوع در حیطه بحث مقاله حاضر نیست؛ ولی به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل عقب‌ماندگی توان تولید در اقتصاد ایران، ریشه در همان ابعاد دیگر جهانی‌شدن داشته باشد. روابط بین کشورها تنها به جریان فیزیکی کالاها ختم نمی‌شود، بلکه فن تولید، علم مدیریت، نوآوری، افق‌های پیش‌رو، سلیقه‌های جدید و تکنولوژی مدرن در جریان ارتباطات بین‌الملل مبادله می‌شوند. حال اگر کشوری محدودیت‌های بیشتری بر این جریان تحمیل کند، خود را از قافله توسعه جهانی محروم می‌سازد.



نمودار ۳. شاخص جهانی‌شدن اقتصاد در ایران و جهان

منبع: بر اساس شاخص KOF

همچنین می‌توان سایر شاخص‌های جهانی‌شدن اقتصاد که در این مطالعه مورد توجه قرار گرفته است، را برای ایران و جهان مقایسه نمود. برای نشان دادن تصویر ساده‌ای از این مقایسه، نمودار شماره ۴ به صورت مجزا، دو شاخص جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی را که از آن به عنوان شاخص‌های جهانی‌شدن اقتصاد نیز یاد می‌شود، برای ایران در مقایسه با متوسط جهانی نمایش داده شده است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران غیر از سال ۲۰۰۲، کمتر از متوسط جهانی بوده است (باید توجه کرد که اقتصاد ایران به لحاظ اندازه تولید ناخالص داخلی، از کشورهای مهم جهان محسوب می‌شود و رتبه کمتر از متوسط جهانی به‌طور واضح، وجود مشکل در این شاخص را نمایش می‌دهد). سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی نیز غیر از سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و همچنین ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ در بقیه سال‌ها کمتر از متوسط جهانی بوده است.





نمودار شماره ۴: مقایسه سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات از GDP ایران و

جهان

منبع: بر اساس داده‌های بانک جهانی

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مطالعه با استفاده از تکنیک اقتصادی سنجی داده‌های تابلویی، آثار اندازه دولت بر جهانی‌شدن برای نمونه‌ای از کشورهای جهان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مدل نشان می‌دهد گسترش حجم دولت، منجر به کم‌رنگ‌تر شدن نقش کشور در اقتصاد جهانی می‌شود. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و ...، به‌عنوان نمودهایی از جهانی‌شدن، جزء ضروریات اقتصادی بوده و کشورها با توجه به نیاز به ارتقاء فناوری و بهره‌وری، باید از حجم دولت‌های خود کاسته و بخش خصوصی را تقویت کنند تا در نتیجه، موجب گسترش جهانی‌شدن شوند.

بر اساس یافته‌های این مقاله، ارتباط معکوسی بین اندازه دولت و جهانی‌شدن برقرار است. امروز اعتقاد به مفید بودن دولت و برنامه‌ریزی دولتی افول کرده و مبانی نظری دولت‌های بزرگ و با برنامه‌ریزی متمرکز، مورد حمله قرار می‌گیرد. حمله از این زاویه است که هیچ سازمان مرکزی برنامه‌ریزی نمی‌تواند اطلاعات مورد نیاز برای اداره یک اقتصاد پیچیده و مدرن را در دسترس داشته باشد. از موضوعاتی که اخیراً مورد توجه

اقتصاددانان قرار گرفته است، ارتباط میان جهانی‌شدن تجارت و اندازه دولت است و همچنین یکی از مسائل و دغدغه‌های اساسی در پیوستن به سازمان تجارت جهانی، جذب سرمایه و بازار مالی کشورها از جمله کشور ایران است. بیشتر اقتصاددانان معتقدند که تجارت، موتور توسعه در جوامع بوده است، زیرا امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی بالقوه را با توجه به مزیت نسبی فراهم می‌آورد. موضوع مداخله دولت در اقتصاد کشورهای در حال توسعه به‌ویژه کشوری مانند ایران که دارای نفت و گاز فراوان بوده، و توزیع درآمد ارزی حاصل‌شده، بر پیچیدگی تاریخی فوق‌افزوده است.

نتایج بررسی حاضر، نشان می‌دهد که با کاهش اندازه دولت، اقتصاد در جذب سرمایه‌های بین‌المللی و حضور و فروش کالاها و خدمات در بازارهای جهانی، موفق‌تر عمل می‌کند. این نتیجه، ریشه در ناکارایی بخش دولتی در برابر کارایی بیشتر بخش خصوصی دارد. لذا از این دو شاخص، به‌عنوان جهانی‌شدن اقتصاد یاد می‌شود؛ بنابراین، جامعه‌ای که دنبال حضور در بازارهای جهانی بوده و دغدغه درآمدزایی برای نسل‌های بعدی خود دارد، باید برنامه‌ریزی لازم برای کسب سهم بازاری خود در تعاملات جهانی را به عمل آورد. برای این کار، کاهش اندازه دولت، مقررات‌زدایی، تقلیل بروکراسی اداری و کنترل مداخله‌گری دولت در عملکرد اقتصادی بخش خصوصی، ضروری است.

منابع

- آجیلی، هادی و بانکیان، نژاد (۱۳۹۵). تأثیر تغییر ساختار قدرت در نظام اقتصاد سیاسی جهانی بر شکل‌گیری دولت رقابتی. *فصلنامه دولت پژوهی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲، شماره ۷: ۱۹۲-۱۶۳.
- آذربایجانی، کریم؛ رنجبر، همایون و قدوسی دهنوی، پروین (۱۳۹۲). تأثیر نهادهای حاکمیتی بر تجارت کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC). اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز اقتصاد ایران (با رویکرد حمایت از تولید ملی).
- آذربایجانی، کریم؛ شیرازی، همایون و سمیعی، ندا (۱۳۹۰). اثر فساد بر روی تجارت دوجانبه کشورهای منتخب منطقه خاورمیانه. *مجله تحقیقات اقتصادی*، دوره ۴۷، شماره ۲: ۲۰-۱.

- آذرمند، حمید (۱۳۸۵). نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی. *مجله روند*، شماره ۵۰ و ۵۱: ۱۱۹.
- اتاق بازرگانی (۱۳۸۷). تورم در ایران و پیامدهای آن بر تولید و اقتصاد. گروه اقتصاد کلان بیمه و بانک، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران.
- بازمحمدی، حسین و چشمی، اکبر (۱۳۸۵). اندازه دولت در اقتصاد ایران. *مجموعه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۲۹، بانک جمهوری اسلامی ایران.
- توکلی، جعفر (۱۳۸۴). جهانی‌شدن و چالش فقر در کشورهای درحال توسعه. تهران: انتشارات سپهر اندیش.
- جعفری صمیمی، احمد؛ قادری، سامان و قادری، صلاح‌الدین و کتایی، طه (۱۳۹۲). بررسی اثر باز بودن تجاری و جهانی‌شدن اقتصادی بر اشتغال: رویکرد آزمون کرانه‌ها. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، سال چهارم، شماره ۱۳: ۱-۲۶.
- حمیدی، همایون و سرافرازی، مهرزاد (۱۳۸۹). جهانی‌شدن و مدیریت منابع انسانی. دوره ۱، شماره ۱: ۱-۴۸.
- دهقانی، علی؛ خردمند، کامران و عبدی، محمد (۱۳۸۶). اثربخشی هزینه‌های تحقیق و توسعه (بررسی موردی تعاونی‌های تولیدی استان خراسان رضوی و صنایع ایران). *فصلنامه بررسی‌های اقتصادی*، دوره ۴، شماره ۲، صفحات ۹۹-۱۱۴.
- رکود اقتصادی ایالات‌متحده آمریکا و تأثیر آن بر اقتصاد جهان (۱۳۸۷). وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران.
- رمضان، آذین سادات (۱۳۹۲). تأثیر عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تأکید بر متغیرهای نهادی و ساختاری. پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سعیدی، رحمان و کیا، علی‌اصغر (۱۳۸۵). نقش جهانی‌شدن و رسانه‌ها در هویت فرهنگی. تهران: انتشارات خجسته.
- سوری، علی و کیهانی حکمت، رضا (۱۳۸۲). متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۱۰-۹(۳): ۵۳-۷۵.
- سوری، علی و کیهانی حکمت، رضا (۱۳۸۳). متغیرهای جمعیتی، اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۹ و ۱۰: ۸۳-۶۰.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و عبدالله محمودی (۱۳۸۵). تعیین‌کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. *دو فصلنامه جستارهای اقتصادی*، شماره ۵: ۸۹-۱۲۶.
- شیرین بخش، شمس‌الله؛ امینی، تکتیم و هراتی، جواد (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اندازه دولت (سهام مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت از تولید ناخالص داخلی) بر توسعه انسانی: با استفاده از الگوی داده‌هایی تابلویی. *دو فصلنامه اقتصاد پولی و مالی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید*، سال نوزدهم، شماره ۳، صفحات ۱۵۰-۱۳۰.

- صادقی، حسن؛ صامتی، مجید و سامتی، مرتضی (۱۳۹۰). تأثیر جهانی‌شدن اقتصاد بر اندازه دولت: مطالعه کشورهای منتخب آسیایی. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال دوم، شماره ششم، صفحات ۲۴۹-۲۰۹.
- طیب‌نیا، علی و فولادی، معصومه (۱۳۸۸). بررسی افزایش قیمت‌های جهانی بر سطح قیمت‌های داخلی: تراز تجاری و نرخ ارز، با استفاده از یک تعادل عمومی محاسبه‌ای. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۹: ۱۸۶-۱۵۷.
- عسکری، محسن (۱۳۸۹). تأثیر درآمدهای نفتی بر ایجاد دولت رانتیر و دموکراسی. *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره ۱۳: ۱۹۷-۱۸۱.
- فریدمن، توماس (۱۳۸۰). مناظره توماس فریدمن و ایگنا سیور امونت درباره جهانی‌شدن. ترجمه علی دیواندری. *جام جم*: شماره ۲۹۵.
- فطرس، محمدحسن و امامی، معصومه (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران با تأکید بر اثر حق ثبت اختراع. *مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۱۲: ۷۲-۵۳.
- فلاحتی، علی و سپه‌بان قره بابا، اصغر (۱۳۸۸). اثرات آزادسازی‌های تجاری و مالی بر اندازه دولت (مطالعه موردی: ایران). *فصلنامه مطالعات اقتصاد بین‌الملل*، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۵)، شماره دوم (دوره جدید): ۷۴-۶۱.
- کمیجانی، اکبر و معمارنژاد، عباس (۱۳۸۳). اهمیت کیفیت نیروی انسانی و تحقیق و توسعه (R&D) در رشد اقتصادی ایران. *پژوهشنامه بازرگانی*، دوره ۸، شماره ۳۱: ۳۱-۱.
- کمیجانی، اکبر؛ هژبرکیانی، کامبیز و حق‌شناس، هادی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اندازه و کیفیت دولت بر رشد اقتصادی به روش هم‌جمعی ARDL. *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، سال ۴: ۶۰-۴۹.
- گجراتی، دامودار (۱۳۹۱). مبانی اقتصاد سنجی. ترجمه حمید ابریشمی. انتشارات دانشگاه تهران.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- لکزیان، مهرانگیز و غفرانی، پروین (۱۳۹۲). تأثیر اندازه دولت بر رشد تولید ملی در اقتصاد ایران. اولین همایش الکترونیکی ملی چشم‌انداز ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- مجدزاده طباطبایی، شراره و نعمت‌اللهی، فاطمه (۱۳۸۹). تأثیر رشد مخارج دولتی بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی اقتصاد ایران. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال هفدهم، شماره ۵۳: ۴۶-۲۶.
- مجیدی‌فر، محمد مسعود (۱۳۹۴). بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر جریان‌ات و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. شرکت علمی پژوهشی و مشاوره‌ای آینده‌ساز - استان مازندران.
- Afonso, A., & Furceri, D. (2010). Government size, composition, volatility and economic growth. *European Journal of Political Economy*. Vol 26. Issue 4: 517-532.

- Ajide, K. B.; Raheem, I. D., & Asongu, S. A. (2019). Dollarization and the “Unbundling” of Globalization in sub-Saharan Africa. *Research in International Business and Finance*, 47: 398-409.
- Alesina, A. R. Wacziarg (1998). Openness: Country Size and the Government. *Journal of public Economics*, 69: 305-322.
- Alesina, A., and Perotti (1997). The Welfare State and Competitiveness. *American Economic Review*, 87: 921-939.
- Andreas, G. (2013). The Impact of Globalization on Government Size: Causality and Policy Implications for the Case of Greece. *International Research Journal of Finance and Economics*, Issue 105: 138-148.
- Aschauer, D. (1989). Public Investment and Productivity Growth in the Group of Seven. *Economic Perspectives*, 13.: 17-25.
- Balli, F.; Pericoli, F. M., & Pierucci, E. (2018). Globalization and international risk-sharing: The role of social and political integration. *European Journal of Political Economy*.
- Barankay, I., & Lockwood, B. (2007). Decentralization and the productive efficiency of government: Evidence from Swiss cantons. *Journal of public economics*, 91(5): 1197-1218.
- Barro, R.J. (1990). government spending in a simple model of endogenous growth. *Journal of Political Economy*, No.16 October: 103-25.
- Benarroch, M., & Pandey, M. (2008). Trade openness and government size. *Economics Letters*, 101(3): 157-159.
- Bergh, A., & Henrekson, M. (2011). Government size and growth: a survey and interpretation of the evidence. *Journal of Economic Surveys*, 25(5): 872-897.
- Bjornskov, Christian; Axel Dreher & Justina A.V. Fischer (2005). The bigger the better? Evidence of the effect of government size on life satisfaction around the world. WIF-Institute of Economic Research. Working Paper.
- Bowdler, C., & Malik, A. (2005). Openness and inflation volatility: Cross-country evidence (No. 2005-08). Centre for the Study of African Economies, University of Oxford.
- Bretschger, F. (2002). Hettich Globalization. Capital Mobility and Tax Competition: Theory and Evidence for OECD Countries. *European Journal of Political Economy*, 18(4): 695-716.
- Coccia, M. (2012). Political economy of R&D to support the modern competitiveness of nations and determinants of economic optimization and inertia. *Technovation*, 32(6): 370-379.

- Colombier, C. (2015). Government size and growth: a survey and interpretation of the evidence-a comment. *Journal of Economic Surveys*, 29(5): 887-895.
- Crocker, D.A. (2004). Development Ethics. Globalization and Stiglitz. www.wam.umd.edu.
- Davis, J. S., & Van Wincoop, E. (2018). Globalization and the increasing correlation between capital inflows and outflows. *Journal of Monetary Economics*, 100: 83-100.
- De Jong, E., & Bogmans, C. (2011). Does corruption discourage international trade?. *European Journal of Political Economy*, 27(2): 385-398.
- Denise, E. & Van, A. (2007). Regulation, market structure and service trade liberalization. *Economic Modelling*, 6, 24: 895-923.
- Doessel, D. P. & Valadkhani, A. (2003). The Effects of Government on Economic Growth in Fiji. *Singapore Economic Review*, 48(1): 27-38.
- Easterly, W. & Rebelo, S. (1993). Fiscal Policy and Economic Growth: An Empirical Investigation. *Journal of Monetary Economics*, 32: 417-458.
- Epifani, P. & Gancia (2007). On Globalization and the Growth of Governments. Discussion Paper No. 6065. Centre of Economic Policy Research.
- Gali, J. (1994). Government size and macroeconomic stability. *European Economic Review*, 38(1): 117-132.
- Garrett, G. and Mitchell, D. (2001). Globalization, Government Spending and Taxation in the OECD. *European Journal of Political Research*, 39: 145-170.
- Gilpin, R. and Gilpin, J.M. (2000). The challenge of global capitalism: The world economy in the 21st century. Vol. 5. Princeton, NJ: Princeton University.
- Gramlich, E. (1994). Infrastructure Investment: A Review Essay. *Journal of Economic Literature*, 32: 1176-96.
- Gunalp, Burak & Oguzhan C. Dincer (2006). The Optimal Government Size in Transition Countries. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=832605>.
- Gupta, S. & Verhoeven, M. (2001). The efficiency of government expenditure: experiences from Africa. *Journal of Policy Modeling*, 23: 433-467.

- Hromcová, J., & Agnese, P. (2018). Globalization, welfare, and the attitudes toward higher education. *Economic Modelling*.
- <http://www.e.govt.nz/research/public-sector-2004/index.html>
- IMF (1997). World economic outlook. International Monetary Fund: 45.
- Kimakova, A. (2009). Government size and openness revisited: the case of financial globalization. *Kyklos*, 62(3): 394-406.
- Kirzner, I. (1985). Discovery and the capitalist process. Chicago: University of Chicago Press.
- Kleyменова, A.; Rose, A. K., & Wieladek, T. (2016). Does government intervention affect banking globalization?. *Journal of the Japanese and International Economies*, 40: 43-58.
- Kopits, M. G., & Craig, M. J. (1998). Transparency in government operations (No. 158). International Monetary Fund.
- Kotera, G.; Okada, K., & Samreth, S. (2012). Government size, democracy, and corruption: An empirical investigation. *Economic Modelling*, 29(6): 2340-48.
- Kumar, N. (1998). Emerging outward foreign direct investment from Asian developing countries: prospects and implications. Globalization, foreign direct investment and technology transfers: 177-194.
- Lalountas, D. A.; Manolas, G. A., & Vavouras, I. S. (2011). Corruption, globalization and development: How are these three phenomena related?. *Journal of Policy Modeling*, 33(4): 636-648.
- Landau, D., (1983). Government Expenditure and Economic growth: A cross-country study. *Southern Economic Journal*,:786-792.
- Lee, S., & Bowdler, C. (2019). Banking sector globalization and monetary policy transmission: Evidence from Asian countries. *Journal of International Money and Finance*, 93: 101-116.
- Levchenko, Andrei (2004). Institutional quality and international trade. IMF Working Paper.
- Onyeiwu, Steve (2002). Analysis of FDI Flows to Developing Countries: Is the MENA Region Different?. Pennsylvania: Allegheny College, 16335. USA.
- Perraton, J. (1997). The globalization of economic activity. *New Political Economy*, 2: 257-277.
- Porter, Michael (1996). The Adam smith address: Location, clusters and the New microeconomics of competition. *Business Economics*, No. 1.

- Ram, R. (1986). Government size and economic growth: A new framework and some evidence from cross-section and time-series data. *The American Economic Review*. 76(1): 191-203.
- Ram, R. (2008). Openness, Country Size and Government: Additional Evidence from a Large Cross-country Panel. *Journal of Public Economics*, 93: 213-218.
- Romer, P.M. (1990). Capital, labor and Productivity. *Brookings Papers on Economic Activity: Microeconomic*: 337-367.
- Roy, A. G. (2009). Evidence on Economic Growth and Government Size. *Applied Economics*, Vol. 41: 607-614.
- Stubbs, Richard & Underhill, Geoffrey (2005). *Political Economy and The Changing Global Order*, New York: Macmillan.
- Tanzi, V. (1997). The Changing Role of the State in the Economy: A Historical Perspective. IMF Working Paper. No: WP/۹۷/۱۱۴. Washington. D.C. International Monetary Fund: 97-114.
- Themudo, N. S. (2014). Government Size, Nonprofit Sector Strength and Corruption: A Cross-National Examination. *The American Review of Public Administration*, 44(3): 309-323.
- Ursprung, (2006). The Impact of Globalization on the Composition of Government Expenditures: Evidence from Panel Data. CESifo Working Paper No.1755.
- Vedder, R.K. and L.E. Gallaway (1998). Government size and economic Growth. <http://www.house.gov/jec/>
- Waheeduzzaman, A. N. M. (2002). Competitiveness, human development and inequality: A cross-national comparative inquiry. *Competitiveness Review: An International Business Journal*, 12(2): 13-29.
- World Bank (1996). *Global Economic Prospects and the Developing Countries* Washington.